

في الكافي عن النبي (ص): ان هذا الدين متين فاوغلوا فيه برفق ولا تُكْرِهُوا
عبادة الله الى عبادة الله (الشافعي، ص ٥٢٠)

شرح حدیث از امام خامنه ای (مدظله العالی):

جزء و صایای نبی اکرم (ص) است که فرمود: این دین متین است. استوار است و دارای استحکام است. اگر قرار هست کسی را وارد دین کنید لازم نیست به زور متوسل شوید بلکه آنها را با رفق (آرامش و ملایمت و مدارا) وارد دین بکنید! لازم نیست با اصرار، با زیاده روی در مطالبه، بخواهید کسی را وارد دین بکنید. کاری نکنید که عبادت خدا در نظر بندگان خدا مکروه و ناپسند بیاید. وقتی شما زیاد اصرار کردید؛ این اصرار یک حالت امتناعی در او به وجود می آورد. برای او کراهت پیدا می شود. زور و فشار کراهت ایجاد می کند. اگر مرتب به او بگویید این دعا را بخوان! این ذکر را بگو! این نماز را بخوان! او می گوید من اصلاً نمی توانم و از عهده ام بر نمی آید. بطوری که کلاً روی گردان می شود. اگر زیاد فشار بیاورید عمل دینی را در چشم بنده خدا مکروه، ملال آور و خسته کننده معرفی می کنید... (اما) اگر حرکت شما با ملایمت و مدارا و به اندازه باشد آن وقت (نتیجه مطلوب حاصل می شود).

(درس خارج مورخ ۳ / ۲ / ۸۷)

برکت و عظمت ولایت علی (ع)

(به نقل از آیت ا... بهجت - ره)

در نجف یا کاظمین یکی از آقایان قریب ۱۰ یا ۱۵ نفر از اهل علم را برای ناهار دعوت کرده بود ولی فرستاده آقا اشتباهاً طلاب یک مدرسه را که قریب ۷۰-۶۰ نفر بودند دعوت کرده بود. وقتی میهمانان آمدند وی دیده بود، گذشته از این که جا برای نشستن آنها کم است غذا نیز خیلی اندک است، بی درنگ به ذهنش خطور کرد که آیت الله حاج شیخ فتحعلی کاظمینی را از جریان با خبر سازد. وقتی خبر به آقا رسیده بود فرمودند: دست به کار نشوند تا من بیایم. تا اینکه ایشان تشریف می آورد و می فرماید: یک پارچه سفید آب ندیده برابم بیاورید. و ظرف برنج را واری کرد و سرپوش را برداشته و آن پارچه را به جای سرپوش می گذارد و می فرماید: حال ظرفها را به من بدهید، من غذا می ریزم و شما تقسیم کنید، و (این ذکر را) مکرر می فرموده است: «**هاعلی**» **ع** خیر البشر...» هشدار، که علی علیه السلام بهترین انسانهاست، ... تا اینکه به شرافت مقام شامخ علی علیه السلام تمام میهمانان را از آن دیگ غذا داده و هنوز طعام دیگ به آخر نرسیده بود.»

[منبع : مرکز نشر و آثار آیت ... محمد تقی بهجت - ره]

[مفاخر اسلام، علی دوانی، دار الکتب الاسلامیہ، تہران، ج ۱۱، ص ۳۶۰.]

مرحوم استاد محمود شهابی (رحمة الله عليه) می نویسد: ...در یکی از ماههای رمضان، با چند تن از دوستان، از محدث قمی (رحمة الله عليه) خواهش کردیم که در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت را بر معتقدان و علاقه مندان منت نهند. با اصرار و پافشاری، این خواهش پذیرفته شد و وی چند روز نماز ظهر و عصر را در یکی از شبستان های آنجا اقامه کرد و بر جمعیت این جماعت روز به روز افزوده می شد. هنوز ده روز نشده بود که اشخاص زیادی اطلاع یافتند و جمعیت فوق العاده شد. روزی پس از اتمام نماز به من که نزدیک ایشان بودم، گفتند: «من امروز نمی توانم نماز عصر بخوانم.» رفتند و دیگر آن سال برای نماز جماعت نیامدند. در موقع ملاقات و سوال از علت ترک جماعت، گفتند: «حقیقت این است که در رکوع رکعت چهارم متوجه شدم که صدای اقتدا کنندگان که پشت سر من می گویند «یا الله، یا الله، ان الله مع الصابرين» از محلی بسیار دور به گوش می رسد و متوجه زیادی جمعیت شدم و در من شادی و فرجی تولید شد و خلاصه خوشم آمد که جمعیت این اندازه زیاد است؛ بنابراین، من برای امامت اهلیت ندارم.»

